



اطلاعیه دفتر سیاسی و کمیته مرکزی
سازمان مجاهدين خلق ايران

★ معرفی رهبری نوین سازمان
و انقلاب دمکراتیک نوین خلق قهرمان ايران

★ رهائی و اعاده حقوق زن - شرط ضروری رهائی مرد - نقطه عزیمت
یک جهش عظیم ایدئولوژیکی در درون مجاهدين

★ این انقلاب ایدئولوژیکی
ظرفیت و توان انقلابی مجاهدين را صدچندان نموده
و صفوف پولادین ما را هرچه پاکیزه تر و یگانه ترمی سازد

★ تصمیم فرخنده انقلابی و توحیدی برای ازدواج
خواهر مجاهد مریم عضدانلو با برادر مجاهد مسعود رجوی

الذین یبلغون رسالات اللہ و یخشونہ ولایخشون احد الا اللہ

و کفی باللہ حسیبا

آنان که رسالت‌ها و پیام‌های خدائی را می‌رسانند و از خدا خشیه و پروا دارند و جز از خدا از هیچکس ترس و بیمی بدل راه نمی‌دهند، و بس است خدا به حسابرسی و کارسازی

بنام خدا

بنام خلق قهرمان ایران

بنام شهید محمد حنیف نژاد بنیانگذار سازمان مجاهدین خلق ایران

بنام اشرف و موسی

و بنام مریم و مسعود رجوی

هموطنان عزیز،

مردم مبارز و مجاهدپرور ایران،

بشهبانان و هواداران مجاهدین خلق ایران؛

۲۵ سال از حیات خونین و پرافتخار شجره‌ی طیبه‌ی مجاهدین می‌گذرد. هر انسان آگاه و آزاده و هر وجدان منصفی در این میهن می‌داند که در شرایط تاریخی کنونی، صورت مسئله‌ی انقلاب ایران عمیقا با "سازمان مجاهدین خلق ایران" پیوند خورده است. یعنی دست‌کم برای یک‌دوران، آزادی و استقلال ایران مضافاً بر تمامیت ارضی و حاکمیت ملی و مردمی، هیچ تضمینی واقعی‌تر و اساسی‌تر از "مجاهدین" در پهنه‌های مختلف ایدئولوژیکی و سیاسی و اجتماعی و تشکیلاتی ندارد و نمی‌تواند داشته باشد. این سازمان با ارتش عظیم شهیدان و اسیران و رزمندگان، با همه‌ی افتخارات تاریخی که تحت نظام‌های سرکوبگر شاه و خمینی احراز کرده و با همه‌ی استعدادات و امکانات رشدیابنده و بالنده‌ای که بطور تاریخی در دل نهفته دارد، برآستی یک‌گنجینه‌ی عظیم و سراسر آتش و خون و فولاد که معتبرترین سرمایه‌ی صلح و آزادی پایدار در میهن اسیر ما بوده و شاخه‌ی زیتون، سندان، داس و ستاره‌ی پیشرفت و پیروزی ایران فردا را ارمغان آورده است. سرمایه‌ای که برغم بسیاری گروه‌ها و احزاب دیگر، تا این تاریخ از تاراج ارتجاع و انحراف، از ایلغار شاه و خمینی و از یورش انشعاب و شقه شدن در امان مانده و به یمن رهبری پاکباز خود پرچم پایداری و شکست‌ناپذیری خلق قهرمان و پیروزمند ایران را بنحوی خستگی‌ناپذیر بر دوش می‌کشد.

اما سازمان مجاهدین خلق ایران نزدیک به ۱۲ سال پیش، در سال ۱۳۵۲، بدنبال یک کودتای خائنه‌ی اپورتونیستی در سراشیب‌انهدام قرار گرفته و طی دو سال - تا سال ۱۳۵۴ - بطور کامل - متلاشی گردیده بود.

آنچنان که اگر رهبری اخص عقیدتی مسعود رجوی - چه در سال‌های زندان و چه پس از انقلاب ضدسلطنتی - در کار نمی‌بود، امروز صورت مسئله‌ی انقلاب‌نویین مردم ایران محققاً از اساس بی‌پاسخ بود. میراث‌بنیانگذار کبیر سازمان ما نیز که قویا در معرض دست‌اندازی‌های انحرافی و ارتجاعی بود به محاق می‌رفت و یا دست‌کم برای یک‌دوران به فراموشی سپرده می‌شد. اما علیرغم همه‌ی رنج و شکنج‌ها و اذیت و آزار فوق‌العاده‌ای که از سوی دژخیمان ساواک شاه متوجه مسعود بود، وی چندین بار از اعدام محتوم،

جان بدربرد و بقول سردار شهید خلق موسی خیابانی "ما شانس آوردیم و یا بهتر است بگوئیم خداوند لطف خودش را شامل حال ما و شامل خلق ما کرد" (۱) و مسعود را از مرگ قطعی نجات داد و برای ما نگهداشت. موسی افزوده بود:

"اما سنگین‌ترین مسئولیتی که برادرمان مسعود بدوش کشید و فشارهای آن بمراتب از فشارها و شکنجه‌های ساواک بیشتر بود، مربوط می‌شد به سال ۵۴ به بعد یعنی بعد از ضرب‌های که از طرف اپورتونیست‌های چپ‌نما به سازمان وارد شد...." (۲)

"فقط در یک محیط کوچک یعنی در زندان اوین بود که یک مقاومت اصولی آنهم در شرایطی بسیار سخت و طاقت‌فرسا در مقابل جریان اپورتونیستی چپ‌نما و آثار مخرب آن شروع شد و مسعود کسی بود که آن جریان مقاومت را رهبری نمود و همین مقاومت بود که بالاخره به تجدید حیات و بازسازی سازمان مجاهدین خلق ایران انجامید." (۳) "در آن شرایط در عین حال که ما بایست کوشش می‌کردیم تا در درون زندان‌ها جلوی انفعال و تسلیم‌طلبی را بگیریم و روحیه‌ی استقامت و امید انقلابی را در زندانیان، بخصوص در زندانیان مسلمان زنده نگهداریم، وظیفه و مسئولیت سنگین‌تری نیز داشتیم که عبارت بود از دفاع و حراست از میراث ایدئولوژیک سازمان. میزاشی که در معرض تهدید و سوال و ابهام قرار گرفته بود. و این واقعا یک مسئولیت و یک رسالت سنگین و تاریخی بود که بار اصلی این مسئولیت را برادرمان مسعود برعهده داشت و همانطور که جریان امور اثبات کرد او توانست بخوبی از عهده‌ی اجرای این مسئولیت برآید" (۴) "در زندان نیز برادرمان (مسعود) تحت تعقیب و تحت نظر پلیس زندان بود و همینطور مورد حساسیت فوق العاده‌ای از طرف ساواک بود. هر زمان که رژیم ضرب‌های به زندان و زندانیان وارد می‌کرد، مسعود جزو اولین کسانی بود که این ضربه به او وارد می‌شد چرا که پلیس و ساواک از نقش وی در زندان مطلع بودند." (۵) "آنهائی که در آن موقع زندان بوده‌اند یادشان می‌آید که طی همان مدت (اواخر سال ۵۳ و نیمه‌ی اول سال ۵۴) برادرمان برای چند بار - ۳، ۴ یا شاید بیشتر - از شکنجه‌گاه کمیته به بیمارستان منتقل شد و مجدداً به شکنجه‌گاه آمد." (۶) اما علیرغم همه‌ی اینها باز هم چنانکه پسر طالقانی گفته بود دژخیمان و شکنجه‌گران رژیم شاه "از اسم مسعود رجوی و اسم خیابانی وحشت داشتند."

در چنین شرایطی بود که مسعود رجوی با آموزش‌های انقلابی و یکتا پرستانه‌ی خود و با بسیاری آثار نفیس ایدئولوژیکی و سیاسی و تشکیلاتی که آنها را در سخت‌ترین شرایط در زندان تدوین نمود نگذاشت که میراث حنیف به تاراج رود. آن میراث‌گران‌بها را با مرزبندی‌های استوار کیفی تعالی بخشید، اسلام مردمی و انقلابی را چنانکه شایسته‌ی آن بود در صدر محور ترقی و در راستای جامعه‌ی بی‌طبقه‌ی توحیدی تشریح و تثبیت نموده و در روح و روان هر مجاهد خلق جاری ساخت. گرایش‌های انحرافی و ارتجاعی را از دامن مجاهدین زدود. به هرگونه جناح‌بندی و احتمال بروز آن در صفوف مجاهدین خاتمه داد. اپورتونیست‌های چپ‌نما و راست‌گرایان ارتجاعی را با قاطعیتی ستایش‌انگیز - و البته در منتهای مسالمت - بر جای خود نشاند و از لحاظ عقیدتی

(۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ۶) نقل از سخنرانی سردار شهید موسی خیابانی بهنگام معرفی‌بهرادر
مجاهد مسعود رجوی بهنگام کاندیدای ریاست جمهوری (مجاهد ۱۸ دی‌ماه سال ۱۳۵۸)

و سیاسی مشت محکمی بر دهان همه‌ی آنانی کوبید که قصد بلعیدن مجاهدین را داشتند و البته دقیقاً به همین دلیل مورد بسا طعن و لعن‌ها و موضوع بسیاری توطئه‌ها واقع شد. این موقعیت را شهید سعید محسن یکی از بنیانگذاران سازمان ما در واپسین ایام قبل از شهادتش خیلی خوب پیش‌بینی کرده بود. برادر مجاهد عباس داوری از قول سعید نقل کرده است:

"سیام فروردین ۵۱ بود که خبر اعدام ۴ نفر از برادران را در سلول به ما دادند و مشخص شد که مسعود را اعدام نکردند. پس از شنیدن این خبر، شهید سعید محسن به من گفت: "سلام مرا به مسعود برسان و به او بگو که مسئولیت تو خیلی سنگین شده است و تنها فردی هستی که از کمیته‌ی مرکزی باقی مانده‌ای و تمامی تجربیات سازمانی در وجود تو متبلور می‌باشد، بار امانتی است که در این مرحله به تو سپرده شده، کوران حوادث زیادی را خواهی دید و به فتنه‌های زیادی خواهی افتاد، تمامی تمجیدها نثار ما خواهد شد، چون ما شهید می‌شویم و تمام تهمت‌ها نثار تو خواهد شد. چون می‌دانم به مبارزه‌ی خودت ادامه خواهی داد و وارد مراحل می‌شوی که خیلی خیلی بالاتر از ماها قرار خواهی گرفت، زیرا تو هر روز و هر ساعت شهید خواهی شد. آری یک شهید مجسم."

(مجاهد ۵۹/۲/۱۶)

به این ترتیب مسعود رجوی از سال‌ها پیش با تنظیم و تعیین مواضع سازمان مجاهدین خلق ایران در برابر جریان انحرافی "چپ‌نما" و در برابر جریان ارتجاعی "راست" و سپس با تدوین بحث "هویت مجاهدین" جریان احیاء و تجدید سازمان مجاهدین را با موفقیت تمام آغاز نمود و به انجام رساند. این جریان ملازم با یک کار سترگ و طاقت‌فرسای آموزش و اصلاح در درون سازمان و نیز ملازم با تربیت همان نسل انقلابی بود که اکنون مشعل‌های مجاهدت و مقاومت را با خون خود در سراسر میهن شعله‌ور ساخته است.

چنین بود که سازمان مجاهدین خلق ایران که خود در تمامی مسلمانان این مرز و بوم راه جهاد با دیکتاتوری شاه گشوده بود، پس از سقوط رژیم شاه سریعاً به مهمترین نیروی سیاسی کمی و کیفی ایران معاصر تبدیل گردید آنچنان که خمینی دجال آنرا زهمان اوایل دشمن و هم‌اورد اصلی خود ارزیابی می‌نمود چرا که برآستی در سیمای مجاهدین چهره جانشین رژیم عقب مانده و مفلوک خود را می‌دید. اکنون نیز هر وجدان آگاه و منصفی این حقیقت را تأیید می‌کند و نیز می‌داند که چه از نظر پایه‌ی اجتماعی و چه از لحاظ تشکیلاتی و اقتدار سیاسی و چه به لحاظ سابقه‌ی تاریخی و مشروعیت مبارزاتی هیچ نیروئی به پای مجاهدین نمی‌رسد. مجاهدین این جایگاه رفیع تاریخی را قبل از هر چیز مرهون ایدئولوژی و رهبری عقیدتی و سیاسی مسعود رجوی هستند. معلم بزرگی که همه‌ی ما حقا افتخار شاگردیش را داشته‌وفی‌الواقع در مکتب او در زمینه‌های مختلف کسب صلاحیت نموده‌ایم. بطور اخص تحت رهبری مسعود بود که ما در همان نخستین روزهای حکومت خمینی در برابر انحصارطلبی این رژیم ارتجاعی قاطعانه موضع مخالف گرفتیم، راه خود را از اپورتونیست‌های چپ و راست جدا کردیم، در هر کجا در دفاع از آزادی‌های دمکراتیک و در احقاق حقوق توده‌های مردم و اقشار و طبقات و ملیت‌ها و اقلیت‌های مختلف به جد کوشیدیم و در هیچیک از دام‌های تفرقه‌افکنانه‌ی دشمن خدا و خلق فرو نرفتیم. چنین بود که در انتخابات ریاست جمهوری (سال ۵۸) مسعود رجوی گاندهای نسل انقلاب و تمامی اپوزیسیون دمکراتیک و ضد ارتجاعی گردید.

مقارن همین ایام بود که مسعودرجوی نسل محبوب خود "میلشیا" را بنیادگذاشت. هم او بود که طومار بسا فتنه و فسادهای سیاسی (از قبیل فتنه‌های توده‌ای- اکثریتی آن ایام) را درهم پیچید و انقلاب عظیم مردم ایران را در عالی‌ترین شمره‌ی تشکیلاتی خود - یعنی سازمان مجاهدین خلق ایران را - از خاکستر شدن نجات داد. و سرانجام به تشخیص و به فرمان او بود که در سرفصل ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ انقلاب دمکراتیک نوین ایران با پیشتازی مجاهدین خلق ایران آغاز گردید.

مسعود رجوی خود واضح و الهام‌بخش حرکت عاشوراگونه‌ی مجاهدین می‌باشد که با منتهای فدا و از خودگذشتگی همراه بود. و هم اوست که در سرآغاز مقاومت عادلانه‌ی سراسری مردم ایران فرمان بی‌آینده کردن استراتژیکی رژیم خمینی را با جسارت و قاطعیتی بی‌نظیر صادر نمود. وی سپس به ساختمان تنها آلترناتیو دمکراتیک یعنی شورای ملی مقاومت پرداخت و با پرواز تاریخی و فوق‌العاده خطیرش به پاریس، تداوم انقلاب و رهبری آنرا تأمین نمود.

تحت رهبری مسعودرجوی، سازمان مجاهدین خلق ایران در رابطه با سایر نیروها و بویژه متحدین سیاسی‌اش هیچگاه دچار تنگ‌نظری گروهی نشد و هم او بود که با بلندنظری دمکراتیک و انقلابی روابط سازمان ما با سایر نیروها را که حقا در عهده‌ی خود او بود در چارچوب مصالح کلی تمام خلق و انقلاب تنظیم می‌نمود و براساسی حافظ اساسی‌ترین و مهمترین حقوق تمام مردم و نیروها و جبهه‌ی خلق در داخل سازمان مجاهدین خلق ایران بود.

تحت چتر رهبری ایدئولوژیکی و سیاسی مسعود اضافه بر همه‌ی پیشرفت‌های داخلی و بین‌المللی شورای ملی مقاومت و سازمان مجاهدین خلق ایران (چه در افشاء رژیم خمینی و چه در پیشبرد سیاست مردمی و میهنی صلح) برغم تمامی ضرباتی که بر پیکر خونبار مجاهدین وارد شده بود، تشکیلات مجاهدین ضمن دو سال گذشته بطور کامل بازسازی و تجدید سازمان شد. استراتژی و تاکتیک مبارزاتی و دستگاه نظامی ما حلقه‌ی محاصره‌ی دشمن را درهم شکست و با ظرفیت اعتلای مستمر از بن‌بست خارج گردید. بار دیگر بسا جریانات و کسانی که کمر بر فروپاشی مجاهدین بسته بودند برجای خود نشانده شدند. رهبری دمکراتیک - انقلابی مجاهدین بر تمامیت انقلاب نوین خلق تثبیت گردید. و اکنون در پرتو رهبری مسعود، ما در آستانه‌ی جهش ایدئولوژیکی و تشکیلاتی عظیم دیگری هستیم که آثار گسترده‌ی استراتژیکی و اجتماعی‌سیاسی آن به موقع خود به منصفی ظهور خواهد رسید.

فراموش نمی‌کنیم که جوهر ایدئولوژیکی تمامی آنچه مجاهدین در برابر حکومت خمینی کردند از سال‌ها قبل اساسا توسط مسعودرجوی در زندان‌های شاه سرشته شد. والا بدیهی است که بدون یک چنین مجاهدینی حکومت ننگین خمینی تثبیت می‌شد و سرنگونی آن دست کم یک دوره به عقب می‌افتاد و ضمنا آنچنان لکه‌ی ننگی به دامان مطهر اسلام می‌نشست که زدودن آن سال‌های سال طول می‌کشید. کما اینکه تمامی مدعیان و مکاتبی که در برابر این رژیم دجال و ضدبشری تاب پایمردی و مقاومت نیاوردند محققا عقب ماندگی تاریخی خود را برملا نمودند.

همچنین شایسته‌ی تذکر می‌دانیم که در چارچوب سازمان مجاهدین خلق ایران رهبری اخص مسعودرجوی هرگز و هیچگاه در تباین و در تناقض با رهبری و کار و تصمیم‌گیری دستجمعی نبوده است. بعکس، رهبری خاص او پیوسته بر تارک تصمیم‌گیری و رهبری و طرزکار دمکراتیک - انقلابی دستجمعی درخشیده است. به عبارت دیگر رهبری اخص

مسعود در تمامی سالهای دور یا نزدیک، بلاستثناء با روحیات و اخلاقیات متعالی یکتاپرستانه، انسانی و کاملاً دمکراتیک عجیب و البته با منتهای صداقت و صراحت نیز همراه بوده است. چنین صفاتی البته لازمه رهبری انقلاب دمکراتیک نوین مردم ایران بوده و می‌باشد. در اثبات این خصائل یکتاپرستانه و بغایت دمکراتیک و انسانی که پیوسته با عواطف بسیار رقیق و فروزان بشری همراه بوده است میزان رشد و انسجام کارها و اعضاء مجاهدین حجت‌آشکاری است. والا در یک محیط غیردمکراتیک تشکیلاتی؛ اولاً - تحت فشارهای طاقت‌فرسای دشمن ضدبشری محال بود که مجاهدین بتوانند علیرغم اینهمه پراکندگی جغرافیائی، تا این درجه متحد و منسجم و یکدست باقی بمانند و هیچ شقه و انشعابی در آنها بروز نکند. ثانیاً - ارتقاء صلاحیت‌ها و رشد کیفی اعضاء و مسئولین مجاهدین هیچگاه تا این اندازه میسر نمی‌شد.

بنا بر این بایستی تصریح و تکرار کنیم که قدر و شان رهبری اخص مسعود رجوی دقیقاً بر تارک رهبری و طرز کار دستجمعی‌مان قابل‌فهم می‌شود. از این نظر ابا طیل مدعیانی که عاجز از درک و فهم نقش رهبری اخص یک سازمان و یک انقلاب بوده و مجاهدین را به شیوه‌های فزدرپرستانه متهم کرده‌اند؛ در داخل سازمان مجاهدین هیچگاه جز لبخندتمسخر و جز نگاه عاقل‌اندرسفیه برنیا نگیخته است! چو آنکه برجسب تجارب مستمر و طولانی رهبری خاص مسعود؛ خود واقعی‌ترین، جدی‌ترین و مشهودترین ضامن یگانگی و رشد و دمکراسی واقعی و رهبری دستجمعی در درون سازمان مجاهدین خلق ایران بوده است. در فضایل این رهبری یکتاپرست انقلابی این نکته نیز قابل توجه است که مسعود نه تنها هیچگاه از پذیرش پیشتازانه‌ی انتقادات وارد به شخص خود دریغ نکرده بلکه خطاها و اشتباهات سازمان را در زمینه‌های مختلف نیز ولو اینکه مستقیماً هیچ نقشی در انجام آنها نداشته، پیوسته به تمام و کمال به گردن گرفته است.

وجه ممیزه‌ی دیگر این رهبری، در اوج از خودگذشتگی و ایثار و خطرپذیری او جلوه‌گر می‌شود. ضمن سالهای گذشته مسعود رجوی هیچ صعوبت و سختی را در حق دیگران روانداشته مگر آنکه خود پیشاپیش طعم آنرا چشیده باشد و یا خود پیشتازانه نخستین دا و طلب تحمل کردن و بردوش کشیدنش باشد. بر همین روال بود که مسعود خود نخستین دا و طلب عملیات مقدس انتحاری در سازمان مجاهدین خلق ایران بود اما دفتر سیاسی سازمان و در راس همه‌ی ما سردار شهیدمان موسی قویا با آن مخالفت ورزید. براستی اگر در راس رهبری انقلاب شخص مسعود وجود نمی‌داشت مقاومتی با ۴۰۰۰۰ شهید و ۱۲۰۰۰۰ زندانی و نبردی اینچنین بی‌امان با دشمن ضدبشری امکان‌پذیر نبود. آری، این مقاومت خونین سراسری در شرایط طاقت‌فرسائی که همگان مطلعند در بالاترین موضع رهبری‌کننده‌ی خود - یعنی مسعود - هیچ دوگانگی نمی‌پذیرفت و نخواهد پذیرفت. والا دست‌رزمندگان ما بر ماشه‌ها می‌لرزید و اسیران مقاوم و قهرمان جنبش چنانکه باید شکنجه و اعدام را تحمل نمی‌کردند. بنا بر این یکدستی و قاطعیت و خلوص مقاومت مسلحانه‌ی انقلابی در سراسر کشور در عین حال مبین صلاحیت و یگانگی رهبری حقه‌ی آن - مسعود - با مواضع و با جایگاه رهبری‌کننده و با قلب و روح خویشان است.

با ذرک همین جایگاه والای رهبری‌کننده‌ی عقیدتی و یکتاپرستانه و انقلابی مسعود که سمبل و اشرف‌زنان مجاهد در آخرین نامه‌ی قبل از شهادتش درباره‌ی مسعود نوشت: "خدایا امانت مرا بپذیر و تو بهترین امین‌هائی. خدایا کمکش کن که سرفراز و پیروز

از امتحانی که در پیش دارد بیرون بیاید. خدایا کمکش کن که خلقی را از شکنجه و اعدام و اسارت و بردگی نجات بخشد. خدایا کمکش کن که کشتی طوفان زده‌ی ایران را به ساحل نجات برساند. خدایا کمکش کن که انقلاب نوین ایران را با خونریزی کمتر و ره آورد بیشتر به برپا نشاند... خدایا او را بیا مرز، از بیدی‌ها پیش‌درگذرونیکی‌ها پیش‌را فراوان نما^{۱۰}.

نقش تاریخی مسعود رجوی در مسیر رهایی زن

هر کس که در میدان مبارزات رها شدی بخش سیاسی و نظامی سال‌های اخیر بر ضد دیکتاتوری ارتجاعی خمینی، درخشش زن انقلابی مجاهد خلق را دیده باشد و هر کس که بر نقش عظیم کمی و کیفی که خواهران مجاهد ما در جریان انقلاب نوین خلقمان ایفا کرده‌اند واقف باشد و بداند که این زنان - چه رزمنده و چه شهید یا اسیر - تا کجا زندگی و تاریخ زن ایرانی را دگرگون نموده و ارتقاء داده‌اند، بخوبی می‌تواند به نقش عظیم مسعود رجوی در مسیر رهایی زن ایرانی راه ببرد.

۷ بهمن ماه گذشته مسعود در پیام مربوط به معرفی خواهر مجاهد مریم عضدانلو بعنوان همدیف مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران نوشت: "سازمان مجاهدین خلق ایران به خود می‌بالد که طی مبارزات ۲۰ ساله‌ی خود که کپکشان از ستارگان سرخ‌فام و تابناک آنرا منور نموده‌اند، وجود تاریخی جدیدی نیز برای ایران معاصر به ارمغان آورده است که همانا "عنصر زن انقلابی و یکتا پرست مجاهد خلق" می‌باشد. وجودی که همچون شجره‌ای طیبه در عمق ایدئولوژی انقلابی ما ریشه دارد و در فضای تاریخی و فرهنگی ویژه‌ی ایران و در طوفان رنج و آتش، بسا جوانه‌ها و شکوفه‌ها و گل‌های خونین ببار آورده است که در دنیا، امروز از هر حیث بویژه در میان ملل مسلمان بی‌نظیر است.

مظاهر این وجود تاریخی جدید چند ده یا چند صد "خواهر مجاهد" در این یا آن شهر که جدا افتاده از توده‌ی زنان این میهن بمشابه‌ی تک نموده‌هایی هر چند ذیقیمت اما منقطع و متفرق و کمیاب، در مبارزه‌ی مردان و برادران ما شرکت جسته باشند نبوده و نیست. بلکه بحث بر سر یک جریان مستمر، متشکل، گسترده، آینده‌دار و بسیار موثر اجتماعی و تاریخی از انبوه زنان مجاهدی است که چه در دوران مبارزات افشاگرانه‌ی سیاسی بر علیه ارتجاع خمینی و چه در دوران مقاومت انقلابی مسلحانه دوشادوش مردان مشعل رها شدی خلق در زنجیرشان را بدست گرفته و هزارهزار به میدان شتافته‌اند. "خواهر"انی که محققا بدون حضور و مشارکت فوق‌العاده موثر آنان یک پای تمام مبارزات سیاسی و نظامی فلج می‌شد و خلاصه‌ی کلام عاری از عنصر زن انقلابی مجاهد در تمام پهنه‌های فعالیت و وجود تشکیلاتی خود، بطور تاریخی و اجتماعی ناقص و دست‌تنها می‌ماندیم و مسلما به نسبت نقطه‌ی کنونی عقب ماندگی کیفی می‌داشتیم. اما حقیقت دیگری هم هست که مسعود از آنجائی که به نقش خود او مربوط می‌شده از بیان آن در پیامش دریغ کرده است. این حقیقت همانا نقش راهگشا و رهبری‌کننده‌ی ایدئولوژیک و سیاسی و تشکیلاتی خود او در تربیت و در شکل و قوام دادن و در ارتقاء همین "وجود تاریخی جدید" یعنی زن انقلابی مجاهد بویژه در دوران حکومت خمینی است. زنی که باز هم خود مسعود در ماه‌های اخیر ذیصلاح‌ترین و بالاترین الگوی زنده‌ی آن - یعنی مریم عضدانلو - را در راه رهبری سازمان ما به عنوان همدیف مسئول اول سازمان معرفی نمود.

رهائی زن، نقطه عزیمت یک جهش و انقلاب ایدئولوژیکی درونی

در اوایل پائیز گذشته جمع‌بندی جامع (سیاسی - نظامی و تشکیلاتی) چهارمین سال مقاومت انقلابی سراسری در سازمان مجاهدین خلق ایران آغاز شد. نمایندگان اعزامی دفتر سیاسی و کمیته مرکزی، گزارشات اولیه و گزارشات بخش‌ها و ستادها و فرماندهان و مسئولین مختلف سازمان را همراه خود برای مسعود بردند. جمع‌بندی نهائی در زمینه‌های مختلف فوق‌العاده راهگشا و پربار بود. متعاقباً در زمینه‌های امور تشکیلاتی تحت‌هدایت خود مسعود، دفتر سیاسی و کمیته مرکزی سازمان مجاهدین خلق ایران به یکی از عالی‌ترین دستاوردهای عقیدتی و تشکیلاتی این جمع‌بندی دست یافت که در اس‌هرم سازمانی ما برسمیت شناختن جایگاه ایدئولوژیکی و تشکیلاتی شایسته برای ذیصلاح‌ترین و بالاترین زن مجاهد خلق را شامل می‌گردید. "جایگاهی که عاری از تمامی زنگارهای شرک آمیز و تمییز آلود طبقاتی و بویژه عاری از تلقی‌های سوداگرانه‌ی سیاسی و اجتماعی تعادل عقیدتی و تشکیلاتی و اجتماعی بسیار عالی‌تری را برای همه‌ی ما (چه زن و چه مرد) تامین می‌کند. جایگاهی که در پرتو ایدئولوژی انقلابی و توحیدی خود از صدر محور انقلاب و ترقی به آن راه برده ایم و مشخصاً بر تساوی و یگانگی ما هوی زن و مرد تاکید می‌کند." (۱)

به این ترتیب برای نخستین بار در تاریخ سازمان‌های انقلابی معاصر جهان، یک زن ذیصلاح انقلابی و یکتا پرست بعنوان شاخص ویژه‌ی کلیه‌ی زنان رزمنده‌ی مجاهد به رهبری سازمان ما رسید و به عنوان هم‌ردیف مسئول اول در جای حقه‌ی خود نشست. لکن تصویب نهائی و بیرونی این امر با توجه به فاصله‌ی جغرافیائی اغلب ما (اعضاء دفتر سیاسی و کمیته مرکزی سازمان) با مسعود و اشکالات مربوط به نقل و انتقال مطالب و رفت‌وآمد فرستادگان فیما بین تا بهمن‌ماه گذشته به تاخیر افتاد.

در این میان نکته‌ی اساسی این بود که اگر چه در سطح چنین به نظر می‌رسد که بحث تنها مربوط به زنان است؛ اما از آنجا که "مسئله‌ی زن" مطلقاً نمی‌تواند و نباید جدا از "مسئله‌ی مرد و مسئله‌ی کل جامعه" نگریسته شود، پس همچنانکه در پیام مسعود اشاره شده بود؛ این امر مسئله‌ی همه‌ی ما - چه زن و چه مرد - یعنی مسئله‌ی تمامی جامعه‌ی استثمارزده بود. در یک کلام بار دیگر تحت رهبری ایدئولوژیکی مسعود رجوی ما مجاهدین در مواجهه با "تضاد بین زن و مرد" - که یکی از پیچیده‌ترین تضادها است - گام انقلابی و یکتا پرستانه‌ی عظیمی به جلو برداشتیم. گامی که فی‌الواقع در کلیه‌ی سازمان‌ها و احزاب انقلابی حاضر بی‌نظیر است و بیش از پیش مبین قرار گرفتن ایدئولوژی انقلابی و توحیدی ما در صدر محور انقلاب و ترقی است. گام بلندی که بمثابة یک جهش انقلابی و ایدئولوژیکی است و مسعود آنرا در پیام خود "مبین دوران نوینسی از اعتدالی سازمانی - ایدئولوژیکی مجاهدین" توصیف کرده است "چرا که در جریان پرفراز و نشیب، پررنج و خون، دور و دراز و بالابلند نیل به آرمان "یگانگی اجتماعی" یعنی نیل به جامعه‌ی آزاد و عاری از ستم استثمار و طبقات، همه‌ی انواع ستم مضاعف، منجمله ستم مضاعف تاریخی نسبت به زن نیز می‌باید مرحله به مرحله نفی و محو

(۱) - نقل از پیام ۷ بهمن ۶۳ مسعود

گردد." (نقل از پیام مسعود)

ضمناً نیازی به تذکر ندارد که فهم عمیق مواضع انقلابی و یکتاپرستانه‌ی مجاهدین در برخورد با تضاد زن و مرد بطور اعم و در معرفی خواهر مجاهدان مریم عضدانلو (بعنوان همدیف مسئول اول سازمان) بطور اخص مقدماتاً نیازمند تشخیص مرزهای استوار میان ایدئولوژی مجاهدین از ایدئولوژی‌های اقشار و طبقات استثمارگر است. در همین راستا بود که مسعود نوشت: "بدیهی است که رفع ستم‌های جنسی و قومی و طبقاتی جز در جریان مبارزات رها‌ئیبخش سیاسی و اجتماعی و جز در جریان گسستن زنجیرهای استبدادی و استعماری و استثماری محقق نمی‌شود. بنابراین آزادی حقیقی زنان از زنجیرهای برده‌داری و از قیدوبندهای ارباب و رعیتی و از دانه و دام‌های سوداگران و کالائی همانند آزادی تمامی جامعه و اتحاد بشری؛ قبل از هر چیز در مبارزات رها‌ئیبخش خود آنان علیه جهل و ارتجاع بارز می‌گردد."

معرفی رهبری نوین سازمان و انقلاب دمکراتیک نوین مردم ایران

چنانکه در پیام ۷ بهمن مسعود آمده است درصد عظیم خواهران اسیر و شهید ما که دهها هزار تن را بالغ می‌شود و درصد کاملاً چشمگیر مشارکت زنان مجاهد در کل پیکر سازمانی مجاهدین خلق ایران (حدود ۳۰٪) مبین اینست که:

- علی‌رغم "محدودیت‌های فوق‌العاده‌ی فرهنگی و اجتماعی و خانوادگی" که زنان را احاطه کرده است،
- علی‌رغم "محدودیت‌ها و اجبارات ضدبشری که رژیم خمینی بطور مضاعف بر آن افزوده"،
- و علی‌رغم اینکه "در یک مقایسه‌ی عمومی و کلی اشتراک عمل زنان در امر انقلاب از بسیاری جهات ملایم با تحمل فشارها و شکنجه‌ها و شداوند مضاعفی نسبت به مردان بوده و می‌باشد..."

"با اینهمه زن آگاه و آزاده‌ی ایرانی بطور اعم و زن انقلابی و پیشتاز مجاهد خلق بطور اخص یا گسترش کمی و ارتقاء کیفی مبارزات عادلانه‌ی خود علیه ارتجاع و برغم تمامی اجبارات و محدودیت‌ها از میان آتش و خون راه رها‌ئی خلق و میهنش را درمی‌نوردد و دقیقاً در همین مسیر پیوسته به درجات بالاتری از رها سازی خویشتن دست می‌یابد. به عبارت دیگر در جاده‌ی تابناک آگاهی و آزادی و برخورداری از حقوق تساوی‌گرایانه‌ی ذاتی‌اش، خود قدم برداشته و سلاح بر دوش پیوسته مکان‌ها و قلل رفیع‌تری را بمثابه‌ی یک وجود تاریخی جدید تسخیر می‌کند. چرا که بدرستی دریافته است که هم حق آزادی خلق و میهنش و هم حقوق متساوی ماهوی خود او - که در گذار فعال و خلاق از دنیای استبداد و استثمار به جهان حریت و عدل و "قسط" محقق می‌شود - گرفتنی است و نه هدیه کردنی."

و در همین گذار خلاق و خونین از دنیای استبداد و استثمار به جهان حریت و عدل و بیگانگی بود که مجاهدین در برخورد انقلابی و توحیدی یا مسئله‌ی زن و تضاد زن و مرد به طاق ایدئولوژیکی بالابندتری که مبین یک ارتقاء کیفی عقیسدتی و تشکیلاتی است دست یافتند. شاخص این پیشرفت عظیم، انتخاب و معرفی خواهر مجاهدان مریم به عنوان همتای ایدئولوژیکی مسعود و همدیف مسئول اول سازمان است. بنابراین

ترکیب مسعود و مریم از این پس رهبری نوین سازمان مجاهدین خلق ایران را که همانا رهبری انقلاب دمکراتیک نوین مردم ایران نیز هست، مشخص می‌کند. به این ترتیب مسعود رجوی با تکمیل کردن رهبریش بوسیله‌ی مریم یکی دیگر از عالی‌ترین ارمان‌های رهبری عقیدتی و رهاثیبخش خود را به مجاهدین خلق ایران و به خلق قهرمان و پیروزمند ایران ارائه داد و در عین حال قدم اساسی و بسیار دامنه‌داری در مسیر رهاثی و اعاده‌ی حقوق زن برداشت.

فرماندهان و مسئولین بالاتر مجاهدین امروز تا حدودی با ابعاد این جهش عظیم ایدئولوژیک درونی که ظرفیت و توان انقلابی مجاهدین را صدچندان نموده و صفوف پولادین ما را هر چه پاکیزه‌تر و یگانه‌تر می‌سازد، آشنا شده‌اند. فردا در جریان سقوط محتوم رژیم ضدبشری خمینی و در جریان نوسازی و بنای ایران دمکراتیک همگان با آثار و عوارض و ابعاد این قدم مهم تاریخی بیشتر آشنا خواهند شد.

تقریباً ده سال پیش نیز وقتی که مسعود رجوی در سلول‌های زندان اوین طاق ایدئولوژیکی نوین مجاهدین در برابر جریان انحرافی چپ‌نما و جریان ارتجاعی راست را ترسیم و نصب می‌نمود؛ عده‌ی معدودی می‌توانستند بفهمند که مجاهدین در برخورد با موانع و مشکلات دهه‌ی آینده دارای چه ظرفیت و توان انقلابی شگرفی شده‌اند. اما در سال‌های بعد در جریان رویارویی مجاهدین با موانع و مشکلات دوران خمینی و بخصوص در جریان نبرد تمام‌عیار و شکست‌ناپذیرشان با دشمن ضدبشری بسیاری از حقایق عیان و بر همگان روشن شد. بر همین روال آثار عظیم ایدئولوژیکی و سیاسی و اجتماعی رهبری مسعود و مریم در طول زمان به ظهور خواهد رسید. همچنانکه از نظر تشکیلاتی در درون سازمان مجاهدین نیز ما طی همین مدت در مواجهه با این رهبری جدید و الزامات ناشی از تقویت و تثبیت آن دستخوش یک تحول عمیق درونی و ارتقاء جدایی‌ناپذیر و تکاملی گردیده‌ایم.

ما - اعضاء دفتر سیاسی و کمیته‌ی مرکزی سازمان مجاهدین خلق ایران - که افتخار امضاء سند تاریخی حاضر را یافته‌ایم ضرورتاً لازم به تصریح می‌یابیم که هر یک از ما بدنبال جهش ایدئولوژیکی اخیر سازمان یکبار دیگر با آگاهی و اختیار کامل رهبری مسعود و مریم را "انتخاب" نموده و با طیب خاطر و مسرت انقلابی و توحیدی بدینوسیله با رهبری نوین پیمان می‌بندیم و تا فراسوی جان و روان بیعت می‌کنیم. بارخدا یا شرف و افتخار تبعیت و اطاعت انقلابی از این رهبری را از ما و از دیگر خواهران و برادران مجاهدان در هر کجا که هستند و می‌رزمند دریغ مکن.

تصمیم فرخنده انقلابی و توحیدی برای ازدواج مریم با مسعود

لازمه‌ی فعلیت یافتن و تحقق تمام‌عیار ترکیب نوین رهبری ما و لازمه‌ی استمرار و تثبیت آن به نحوی که بتواند تمامی انتظارات ایدئولوژیکی، تشکیلاتی و اجتماعی و سیاسی مطلوب را برآورده سازد، یگانگی هر چه بیشتر مریم و مسعود در رأس رهبری سازمان و انقلاب است که لاجرم زوجیت و محرمیت آنها را با یکدیگر ایجاب می‌کند. بیک چنین یگانگی تشکیلاتی و خانوادگی البته فقط و فقط در رأس رهبری سازمان موضوعیت

دارد و لذا مطلقاً در هیچ نقطه‌ی دیگر سلسله مراتب سازمانی قابل‌الگو برداری نبوده و نیست. والا بدون یک چنین یگانگی در بالاترین نقطه‌ی منحصر به فرد رهبری، هیچ‌یک از طرفین بطور کامل قادر به انجام وظایف خطیر رهبری نخواهند بود. بعبارت دیگر دوگانگی تشکیلاتی و خانوادگی بین مریم و مسعود در اس‌رهبری سازمان و مشروط بودن مریم به همسری غیر از مسعود دست‌کم در شرایط و در مقطع کنونی سازمان و انقلاب ما در عمل به درجات زیادی به معنی صوری کردن و عاری از محتوی نبودن نقش هم‌مدیف مسئول اول سازمان می‌باشد و اینهم یعنی قائل شدن یک نقش عمدتاً تشریفاتی برای مریم در کنار مسعود که از یکسو فرمالیسم بورژوازی در امر هم‌مدیفی را تداعی می‌کند و از سوی دیگر فعلیت یافتن ترکیب نوین رهبری ما را تا حدود زیادی ناقص و چه بسا نامیسر می‌سازد. حال اگر مسعود متاهل می‌بود و همسر قبلی‌اش از او جدا نشده و طلاق نگرفته بود و نیز اگر ملاحظات اصولی دیگری در کار بود ناگزیر می‌بایست نقیصه‌ی جدی مورد بحث در ترکیب رهبری نوین سازمان را پذیرفته و به کلیه‌ی زیان‌های ایدئولوژیکی و تشکیلاتی و اجتماعی و سیاسی آن - بخاطر اصول و مصالح بالاتری - تن می‌دادیم. حال اینکه اکنون در شرایطی که امکان پیوند خانوادگی بین مسعود و مریم وجود دارد، دیگر بهیچوجه نمی‌خواهیم ترکیب نوین رهبری خود را از اعتبار واقعی و جدی ساقط نموده و از مزایای انقلابی فوق‌العاده ارزشمند آن درزمینه‌های مختلف ایدئولوژیک و تشکیلاتی و اجتماعی - سیاسی چشم‌پوشیم. بنا براین نمی‌خواهیم مابه‌ازاء دوگانگی و تناقض تشکیلاتی - خانوادگی در بالاترین نقطه‌ی رهبری سازمان - نقطه‌ای که اساساً و بطور ماهوی هیچگاه دوگانگی و تناقض نمی‌پذیرد و حتی‌المقدور نباید بر آن تناقضی تحمیل نمود - را از حقوق سازمان و خلق و انقلاب بپردازیم. و اینجاست که پیوند ازدواج مریم و مسعود در راستای عالی‌ترین مصالح سازمان و انقلاب و ایدئولوژی و تشکیلات ما ضروری می‌شود.

اما ما تا همین هفته‌های اخیر به این ضرورت یعنی ضرورت اجتناب‌ناپذیریگانگی و زوجیت مریم و مسعود در اس‌رهبری سازمان پی نبرده و اصولاً تناقض پیش‌گفته را درنیافته بودیم. در همین رابطه مسعود در پیام ۷ بهمن‌ماه گذشته‌ی خود که به معرفی خواهر مجاهد مریم عضدانلو هم‌مدیف مسئول اول سازمان اختصاص داشت، مسئولیت و موضع جدید مریم را در منتهای صداقت و صمیمیت به همسر پیشین او برادر مجاهد مهدی ابریشمچی عضو دفتر سیاسی سازمان تهنیت و تبریک گفته بود.

سپس در هفته‌های اخیر دفتر سیاسی سازمان اکیداً به ضرورت ایدئولوژیکی و تشکیلاتی ازدواج مریم و مسعود پی برد و پس از برقرار شدن ارتباط میان اعضاء این دفتر در نقاط مختلف، ضرورت مزبور عمیقاً مورد بررسی قرار گرفت.

اما مقدم بر همه و قبل از اینکه بحث‌های مربوطه در سطح دفتر سیاسی بطور کامل به جریان بیفتد و به نتیجه‌ی نهائی برسد برادر مجاهد مهدی ابریشمچی و همسرش خواهر مجاهد مریم عضدانلو خود بطور کاملاد و طلبانه پیشقدم شده و در جهت پیشبرد این ضرورت انقلابی و عقیدتی از یکدیگر جدا شده و در حضور شهود صیغهی طلاق را با توافق متقابل جاری نمودند و آنرا به مسئول اول سازمان برادر مجاهد مسعود رجوع کتباً اعلام کردند. مخالفت و نصایح بازدارنده‌ی مسعود که از مواضع انسانی و اخلاقی شخص خودش ناشی می‌شد نیز اثری در تصمیم راسخ طرفین نکرد و یکبار دیگر کتباً به‌ا و اعلام

تمودند که برغم تاکیدات او بر طلاق و جدائی از یکدیگر مومن و پافشارند.
یادآوری می‌کنیم که این طلاق که طرفین آن با یکدیگر در منتهای سازگاری عقیدتی و سیاسی و اخلاقی بسر می‌بردند نخستین طلاق در میان هزارها و هزارها ازدواجی است که طی سالیان گذشته در طیف خانواده‌ی مجاهدین صورت گرفته است. طلاق که از جهت ایدئولوژیک و اخلاقی، آیت راهنما و حجت‌بینه‌ای است در میان تمامی قهرمانی‌ها و حماسه‌ها و از خودگذشتگی‌های مجاهدین که بی‌انگیز طراز نوینی از ارزش‌های خلق شده توسط مجاهدین است. برآستی بر این حماسه‌ی انگیزنده نباید نام طلاق گذاشت بلکه باید آنرا در فراسوی قهرمانی حاکی از ازدواج با ارزش‌هایی بسا متعالی‌تر دانست و به آن مناسبت با خضوع و احترام به برادر مجاهد مهدی ابریشمچی و همسر سابقش خواهر مجاهد مریم عضدانلو تبریک و تهنیت گفت.

اما دفتر سیاسی سازمان پس از خاتمه‌ی بحث‌هایش ضرورت اجتناب‌ناپذیر ازدواج با مریم را که قبل از همه مورد تأیید و تصویب برادر مجاهد مهدی ابریشمچی و خواهر مجاهدان مریم قرار گرفته بود، رسماً با مسعود مطرح و به او پیشنهاد نمود.
دفتر سیاسی با الهام از آیات قرآنی درباره‌ی ازدواج پیامبر اکرم با همسر پسرخوانده‌اش که در کلام‌الله مجید حقا تبلیغ یکی از خطرترین زسالت‌های خدائی توصیف شده است، پذیرش ازدواج با مریم را بمثابه‌ی حرکتی "فرا تر از حماسه" از جانب مسعود ارزیابی نمود و آنرا بمثابه‌ی "اوج کیفی جدیدی بر فراز تمامی حماسه‌های تاریخ مجاهدین" بزرگترین و مهمترین و خطرترین ابتلاء کل دوران مبارزات و حیات سیاسی و تمامی تاریخچه‌ی رهبری مسعود بر سازمان مجاهدین دانست. به نحوی که اگر مسعود را یا رای پذیرش مختارانه‌ی آن نبود و در برابر انواع و اقسام شادناشی از آن یارای مقاومت و عزم جزم نمی‌بود شایسته‌ی مقام و مرتبت رهبری نمی‌شد. همچنان که اگر مریم نیز از بوته‌ی این آزمایش‌خطر و تاریخی سرفراز و پیروزمند بیرون نمی‌آمد مرتبت رهبری مخدوش می‌نمود. ابتلاء و آزمایش‌خطیری که توفیق در آن سرچشمه‌ی فیوضات و برکات فراوان برای سازمان و برای انقلاب ما خواهد بود.

به هر حال مسعود با اشراف کامل بر مشقات راهش، با استقبال از همه‌ی شادناهی و با مسئولیت‌پذیری کامل برای این ازدواج مختارانه تصمیم گرفت. تصمیم برای ازدواجی بس مبارک و میمون در جاده‌ی انقلاب و یکتا پرستی و در مسیر خدا و خلق که طبعاً پس از طی مراحل شرعی با مراعات آداب و سنن اسلام انقلابی محقق می‌شود.

بر مریم و مسعود، بر مجاهدین خلق ایران و بر انقلاب نوین مردم ایران مبارک باد!

مرگ بر خمینی درود بر رجوی (مسعود و مریم)

دفتر سیاسی و کمیته‌ی مرکزی سازمان مجاهدین خلق ایران

۱۹ / اسفند / ۱۳۶۳

تذکر - اطلاعیه‌ی حاضر جهت تکمیل امضا‌های آن به مراکز مختلف و سپس به پاریس فرستاده می‌شود تا پس از تأیید رهبری جدید سازمان (مسعود و مریم) به اطلاع عموم مردم ایران برسد.
جانشین مسئول اول و فرمانده‌ی سیاسی - نظامی

علی زرکش

۱۹ / اسفند / ۶۳

امضاء کنندگان

اعضای دفتر سیاسی:

- علی زرکش: با عمیقترین و صمیمانهترین تهنیتها و با ایمان و قاطعیتی بیش از بسیاری تصمیمگیریهای تعیینکنندهی سیاسی و نظامی ضرورت و حقانیت این ازدواج پربرکت و فرخنده را گواهی میدهم و آنرا بر تارک ایدئولوژی سازمان گرامی می‌شناسم.
علی زرکش

۶۳/۱۲/۱۹

- محمود عطائی: با تبریکات انقلابی و توحیدی و آرزوی پیروزی برای خلق درزنجیرمان.
اعوذبالله من الشیطان الرجیم یریدالله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا.
محمود عطائی

۶۳/۱۲/۱۹

- مهدی ابریشمچی: با تمامی ظرفیت و درک ایدئولوژیکیم از اینکه افتخار شرکت در چنین تصمیمگیری مبارک عقیدتی نصیب شده خدا را سپاسگزارم.
مهدی ابریشمچی

۶۳/۱۲/۲۵

- عباس داوری: با تمام درک ایدئولوژیک خود این ازدواج مبارک تاریخی را که پاسخ مثبت به یک انقلاب عظیم ایدئولوژیک است تهنیت و تبریک می‌گویم.
عباس داوری

۶۳/۱۲/۲۳

- محمدعلی جابرزاده: این ازدواج مقدس و انقلابی که ره‌آورد انقلاب کبیر ایدئولوژیک درونی سازمان و فراتر از همه‌ی حماسه‌های مجاهدین است را به خلق قهرمان ایران تبریک و تهنیت می‌گویم.
محمدعلی جابرزاده

۶۳/۱۲/۲۵

- محمد حیاتی
- مهدی براعی
- ابراهیم ذاکری
- مهدی افتخاری
- احمد حنیف نژاد
- مهدی کتیرائی
- حسن مهرابی
- سید محمدسیدالمحدثین
- بیژن رحیمی
- حسین ربوبی
- علیرضا باباخانی
- هادی روشن روان
- سید محمود احمدی
- محمدعلی توحیدی

اعضای مرکزیت :

حسین ابریشمی - حمید اسدیان - فرهاد الفت - ابوالفضل امشاسیند - جواد برومند -
حشمت جوادی - علی خدائی صفت - مهین رضائی - محسن رضائی - اصغر زمانوزیری - محمد
صادق سادات دربند - محسن سیا هکلاه - صادق سیدی - مسعود عدل - محمود عضدانلو -
مهدی فتح الله نژاد - جواد قدیری - پرویز کریمیان - مهدی مددی - اسما عیل مرتضائی -
حسین مشارزاده - رضا منانی - محمود مهدوی - محمد وشوق.

اعضای اجرائی مرکزیت :

هادی افشار - احمد افشار - اصغر پوریا منفرد - محسن تدینی - محبوبه جمشیدی - رضا
درودی - زهره رجبی - فاطمه رمضانی - افسانه زهری - احمد شکرانی - سهیلا صادق -
شهرزاد صدر حاج سیدجوادی - عدرا علوی طالقانی - فتح الله فریور - حسن محصل - رضا
مرادی - محمد معصومی - مجید معینی - جلال منتظمی - افخم میرزائی.

همردیفان مرکزیت :

علی محمد تشید - منصور زاهدی - گلی جان عطاءئی



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

در میر خدای و خلق، با اختیار و رضای خاطر حضرت ایدز لوزیک

و تکلیفاتی مشیت انقلاب زمین مردم ایران را که نظر مشیت الهی

است پذیرفته و با مراعات سیره نبوی و سله مراتب شرع

تجدیدی تصمیم به ازدواج گرفتیم. و بشار المؤمنین بآن نعمت من الله

فضلاً کبیراً



صدر رجوی

۵۳/۱۲/۲۷

هم رجوی

۶۳/۱۲/۲۷

۱

